

## افزایش کيفر در ماده ۶۱۲ رویکردی برای کاهش جرم

دکتر امیرحسین نیازپور

مدیرکل حوزه معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

ارتکاب قتل عمدی امنیت و نظم عمومی واحساس شهروندان جامعه را با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند. البته، آن گاه که این رفتار مجرمانه در عرصه‌خانوادگی رخ دهد، این چالش هاگسترده‌تر وهراس آورتر می‌شود. به همین خاطر، برای کاهش شمار ارتکاب این نوع جرم‌ها باید کنش‌های پیشگیرانه و واکنش‌های کیفری شایسته‌ای پیش‌بینی و اجرا کرد. در این میان، چگونگی شناسایی واکنش‌ها و هنجارگذاری کیفری اهمیت زیادی دارد. زیرا، جرم‌انگاری و کیفرگذاری شایسته می‌تواند زمینه‌های دست یافتن به هدف‌های عدالت کیفری از جمله بازدارندگی را فراهم سازد. رسیدن به این هدف به مؤلفه‌های متعددی وابسته است که تناسب جرم و کیفر از مهم‌ترین آنهاست. نبود تناسب میان جرم و کیفر به ناکارآمدی عدالت کیفری در زمینه بازدارندگی و پرهزینه نشان دادن ارتکاب جرم در فرایند حسابرگری کیفری می‌انجامد.

در عرصه سیاست کیفری ایران، ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ۱۳۷۵ نمونه‌ای در این زمینه است. کشته شدن فرزند توسط «پدر و جد پدری» بر اساس ماده (۳۰۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قصاص‌پذیر نیست و بنابراین باید در چارچوب ماده (۶۱۲) این دسته را با حبس از سه تا ده سال کیفر داد.با توجه به ارتکاب شماری از فرزند کشی‌ها در یک سال پیش ضرورت بازنگری در این ماده پیش از گذشته نمایان شد. از این‌رو، به دستور معاون حقوقی رئیس‌جمهوری متن نوافته‌ای برای اصلاح ماده (۶۱۲) در معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری تهیه و تدوین و در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۹ به معاون اول رئیس‌جمهوری پیشنهاد داده شد.

در متن پیشنهاد شده افزایش میزان کیفر حبس در کنار پیش‌بینی دیگر واکنش‌های شدت‌گرایانه به‌عنوان سازوکاری برای تقویت جنبه‌های بازدارندگی مجازات بخصوص در آن دسته از انگاره‌ها که قتل عمدی در پهنه خانواده رخ می‌دهد و گذشت از قصاص یا ارتکاب از سوی «پدر و جد پدری» قصاص‌پذیر نیست، مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری در این زمینه پیش‌بینی مجازات حبس درجه دو و یک نسبت به قتل‌های عمدی قصاص‌ناپذیر و بویژه ارتکاب قتل عمدی از سوی «پدر و جد پدری» بود تا از رهگذر شناسایی رویکرد شدت‌گرای و افزایش میزان کیفر حبس در این زمینه اسباب بازدارندگی، به چالش کشیده شدن فرایند حسابرگری کیفری و کاهش شمار ارتکاب این بزهکاری فراهم شود.با وجود پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری در زمینه افزایش میزان کیفر در ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ۱۳۷۵ و جایگزین کردن حبس درجه دو و یک با توجه به انگاره‌های پیش‌بینی شده در متن پیشنهادی در فرایند بررسی وتصویب متن این لایحه در کنار دیگر پیشنهادهای ارسال شده به هیأت دولت در نهایت میزان مجازات پیشنهاد شده از سوی معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری پذیرفته نشد و به حبس درجه چهار و سه کاهش یافت.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ:

## پلیس در انتخابات بی طرف و متولی امنیت جامعه است

**گروه حوادث/** رئیس پلیس پایتخت از برخورد قاطع پلیس با هرگونه

نامنی و برهم زدن نظم در زمینه تبلیغات انتخاباتی خبر داد. سردار حسین رحیمی در جلسه ارتباط مستقیم مردم با فرماندهان پلیس پایتخت که در مرکز نظارت همگانی ۱۹۷ برگزار شد گفت: شرایط کرونا و ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی روند همیشگی پلیس برای حل مشکلات مردم و پاسخگویی چهره به چهره را دچار مشکلاتی کرده بود که ما تلاش کردیم از طریق تماس‌های تلفنی این مسائل را حل و فصل کنیم. رحیمی همچنین در حاشیه این جلسه در پاسخ به پرسش اسنا درباره آمادگی پلیس برای انتخابات پیش رو اظهار کرد: پلیس در بحث انتخابات چند مسئولیت را بر عهده داشت که این مسئولیت‌ها و وظایف را می‌توان در چند بخش کلی دسته‌بندی کرد؛ بخش اول مربوط به زمان بررسی صلاحیت‌ها بود که ما به‌عنوان اولین سازمانی که مورد استعلام قرار گرفت سوابق اشخاص را برای دستگاه‌های مربوطه ارسال کردیم.

با اعلام رسمی افراد واجد شرایط و صلاحیت برای انتخابات بحث تبلیغات نامزد‌ها نیز آغاز خواهد شد. در این زمینه نیز ما تابع موارد ابلاغ شده از سوی ستاد ملی مقابله با کرونا هستیم این دستورالعمل به پلیس ابلاغ شده و ما نیز بر اساس آن در رابطه با تجمعات و میتینگ‌های انتخاباتی رفتار خواهیم کرد. علاوه بر این موارد پلیس هم در فضای مجازی و هم در فضای حقیقی با موارد تخلفات و خارج از قوانین انتخاباتی برخورد خواهد کرد.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه گام بعدی ما تأمین امنیت شعب اخذ رأی است گفت: آخرین وضعیت صندوق‌ها اعلام شده و ما بر اساس آن برنامه‌ریزی‌های خود برای صندوق‌ها را آغاز کردیم. همان‌طور که می‌دانیم تأمین امنیت انتخابات به طور کامل بر عهده پلیس است و ما با آمادگی کامل و با ظرفیت تمام نیروها در این زمینه اقدام خواهیم کرد. رحیمی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا پلیس با تجمعات احتمالی هواداران نامزدهای در صلاحیت شده برخورد می‌کند یا خیر؟ گفت: وظیفه پلیس تأمین نظم و مقررات است بنابراین با هر فردی که بخواهد خارج از مقررات، اقدام به اختلال در نظم و آرامش عمومی کند، برخورد خواهیم کرد.وی با تأکید بر اینکه پلیس عضو هیچ گروه و جریانی نبوده و در انتخابات بیطرف است گفت: به‌عنوان متولی امنیت جامعه با هر فرد یا گروهی که بخواهد امنیت جامعه را خدشه دار کند برخورد خواهیم کرد.

# سرقت خودروی مدل بالا

# با لباس زنانه

**گروه حوادث/** پسر جوان با لباس و

آرایش زنانه سوار خودروی مدل بالا شد و پس از تهدید راننده اقدام به سرقت کرد.به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، راز سرقت‌های عجیب این مرد زن نما با شکایت یک مهندس پولدار به پلیس فاش شد. این مرد جوان ساعت ۲ نیمه ۲۵ اسفند پارسال به کلانتری در غرب تهران رفت و گفت: با خودروی مدل بالايم در اتوبان ستاری حرکت می‌کردم که زن جوانی را کنار خیابان دیدم. چون دیر وقت بود و زن جوان هم تنها بود او را سوار کردم تا به مقصد برسانم. وقتی سوار شد ظاهرش به نظرم کمی عجیب آمد با اینکه دو ماسک بهداشتی و شیلد به‌صورت داشت اما آرایش غلیظش خیلی به چشم می‌آمد و صدایش نیز دورگه بود. وقتی متوجه تعجب من شد، گفت: کرونا داشتم و تازه خوب شده‌ام صدام به‌خاطر چند دقیقه‌ای که گذشت ناگهان

مسافرم از من خواست کنار خیابان در محلی خلوت توقف کنم. بعد هم یک دفعه ظرفی را از داخل کیفش بیرون آورد و مایع داخل آن را روی من ریخت. ابتدا فکر کردم اسید است اما وقتی بوی بنزین همه جا را پر کرد فهمیدم نقشه شومی دارد. بلافاصله فندکی از کیفش بیرون آورد و روشن کرد. از این کارش وحشت کرده بودم گفتم چه می‌خواهی، گفت: هر چه پول داری بده. گفتم هیچ پولی همراهم نیست و از ترس اینکه مرا آتش بزنند، شروع به التماس کردم بعد هم در یک لحظه خودم را از خودرو بیرون انداختم. مرد زن نما با عجله پشت فرمان نشست و خودروی شاسی بلند گران قیمت را دزدید. دستگیری در شهریار

با شکایت مرد جوان، مشخصات خودروی مدل بالا به تمامی واحدهای گشت اعلام شد. در حالی که تحقیقات برای دستگیری سارق جوان ادامه داشت، مأموران پلیس آگاهی شهریار به یک

خودروی شاسی بلند در آن منطقه مشکوک شدند. با استعلام شماره پلاک خودرو، مشخص شد که پلاک متعلق به یک خودروی پژو ۲۰۶ است. همین موضوع شک مأموران را بیشتر کرد. بدین ترتیب به راننده دستور ایست دادند اما راننده خودرو با دیدن پلیس اقدام به فرار کرد و مأموران نیز به تعقیب او پرداختند. تعقیب و گریز آغاز شد و در نهایت مأموران موفق به دستگیری راننده شدند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد وی همان سارق خودروی مدل بالا است و بنابراین پرونده با قرار عدم صلاحیت به دادسرای ناحیه ۵ تهران ارجاع شد.متهم زمانی که در مقابل بازپرس شعبه ۱۵ دادسرای ناحیه ۵ قرار گرفت به سرقت خودروی شاسی بلند اعتراف کرد. بازپرس سعید احمدیگی به اتهام سرقت مقرون به آزار، تهدید به آتش زدن و نصب پلاک خودروی دیگر، قرار بازداشت موقت متهم را صادر کرد و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

## اعدام؛ مجازات تعرض به دختر دانش آموز



**گروه حوادث/** مرد جوان که به دختر دانش آموزی تجاوز کرده بود، در شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به اعدام محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از یکسال پیش با شکایت دختر دانش آموزی به‌نام مرجان که مدعی بود از سوی سه پسر زبوده و مورد تعرض قرار گرفته، آغاز شد. وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: مدتی پیش از طریق اینستاگرام با پسری به‌نام سیامک آشنا شدم. پس از چند هفته او به من ابراز علاقه کرد و پیشنهاد ازدواج داد که من به‌خاطر اینکه در حال تحصیل هستم و سیامک را هم بخوبی نمی‌شناختم، جواب رد دادم. با این حال سیامک دست بردار نبود و هر روز تلاش می‌کرد تا بیشتر با من صمیمی شود و وقتی هم دید که من در تصمیمم جدی هستم از من خواست تا یکی از دوستانم را که مورد تأییدم است برای ازدواج به او معرفی کنم. من هم که فکر می‌کردم سیامک به‌دنبال ازدواج و تشکیل خانواده است، یکی از دوستانم به‌نام سیما را به او معرفی کردم. فردای آن روز سیامک به همراه دوستانش سعید برای دیدن ما به جلوی مدرسه‌مان آمدند و من و سیما هم سوار خودرویشان شدیم و یکساعتی باهم چرخیدیم و حرف زدیم بعد هم دوباره جلوی مدرسه پیاده شدیم. همان شب سیامک تماس گرفت و گفت فردا دوباره به‌دنبال‌مان می‌آید تا سیما را با مادرش آشنا کند و به همین دلیل من هم قبول کردم. روز بعد وقتی سیامک و دوستانش آمدند فکر می‌کردیم قرار است پیش‌مادر سیامک برویم، اما هنوز مسافرت زیادی نرفته بودیم که سیامک و دوستش جاقوئی از جیب‌شان در آوردند و با تهدید ما را به باغی آن سیامک با دوست دیگرش به‌نام فریبرز تماس گرفت و از او خواست تا خودش را به باغ برساند.

مرجان در حالی که اشک می‌ریخت، ادامه داد: حدود یکساعت بعد فریبرز هم به باغ رسیدگی به این پرونده از یکسال پیش با شکایت دختر دانش آموزی به‌نام مرجان که مدعی بود از سوی سه پسر زبوده و مورد تعرض قرار گرفته، آغاز شد. وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: مدتی پیش از طریق اینستاگرام با پسری به‌نام سیامک آشنا شدم. پس از چند هفته او به من ابراز علاقه کرد و پیشنهاد ازدواج داد که من به‌خاطر اینکه در حال تحصیل هستم و سیامک را هم بخوبی نمی‌شناختم، جواب رد دادم. با این حال سیامک دست بردار نبود و هر روز تلاش می‌کرد تا بیشتر با من صمیمی شود و وقتی هم دید که من در تصمیمم جدی هستم از من خواست تا یکی از دوستانم را که مورد تأییدم است برای ازدواج به او معرفی کنم. من هم که فکر می‌کردم سیامک به‌دنبال ازدواج و تشکیل خانواده است، یکی از دوستانم به‌نام سیما را به او معرفی کردم. فردای آن روز سیامک به همراه دوستانش سعید برای دیدن ما به جلوی مدرسه‌مان آمدند و من و سیما هم سوار خودرویشان شدیم و یکساعتی باهم چرخیدیم و حرف زدیم بعد هم دوباره جلوی مدرسه پیاده شدیم. همان شب سیامک تماس گرفت و گفت فردا دوباره به‌دنبال‌مان می‌آید تا سیما را با مادرش آشنا کند و به همین دلیل من هم قبول کردم. روز بعد وقتی سیامک و دوستانش آمدند فکر می‌کردیم قرار است پیش‌مادر سیامک برویم، اما هنوز مسافرت زیادی نرفته بودیم که سیامک و دوستش جاقوئی از جیب‌شان در آوردند و با تهدید ما را به باغی آن سیامک با دوست دیگرش به‌نام فریبرز تماس گرفت و از او خواست تا خودش را به باغ برساند.

آمد اما او من را با تهدید شوکر و بدون توجه به التماس هایم مورد تجاوز قرار داد و بعد هم ما را سوار ماشین‌شان کردند تا به شهر برگردانند اما در میانه راه فریبرز به سیما هم تعرض کرد. من و دوستم حال خیلی بدی داشتم و من به محض اینکه به خانه رسیدم موضوع را به مادرم گفتم و به پلیس مراجعه کردم اما سیما همچنان سکوت کرده و حاضر به شکایت نیست.

به دنبال اظهارات دختر دانش آموز، ۳ متهم پرونده شناسایی و بازداشت شدند اما هر ۳ نفر پس از دستگیری اتهام‌شان را انکار کردند و مدعی شدند شاکي و دوستش با خواست و تمایل خودشان به باغ آمده بودند. با توجه به مطرح شدن موضوع تجاوز، پرونده به صورت مستقیم به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و مورد رسیدگی قرار گرفت. در تحقیقات و همچنین از سوی کارشناسان پزشکی قانونی، تعرض به دختر نوجوان تأیید شد و با تکمیل تحقیقات ۳ متهم محاکمه شدند.

در جلسه رسیدگی، مرجان که تنها شاکي این پرونده بود، گفت: از قضات می‌خواهم که برای مرا به فراتر از مجازات را در نظر بگیرند. بعد از آن اتفاق وضعیت روحی خوبی ندارم و مدت هاست دارو زندگی روانشناس هستم و با مصرف دارو زندگی

**گروه حوادث/** آتش سوزی ناشی از آژگون شدن یک کامیون سوخت در گمرک

ابونصر فراهی افغانستان با تلاش آتش‌نشانان ایران و افغانستان مهار شد. سید روح‌الله لطیفی – سخنگوی گمرک ایران – درباره جزئیات این آتش سوزی گفت: ساعت ۹:۳۰ دقیقه سه‌شنبه کامیون افغانستانی حامل سوخت در گمرک «ابونصر فراهی» در استان فراه افغانستان که در مرز مقابل ماهیرو در ایران قرار دارد، دچار حادثه شد؛ بلافاصله بعد از این حادثه با توجه به درخواست گمرک افغانستان از گمرک ایران، هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و دو دستگاه ماشین آتش‌نشانی و پرسنل از سمت ایران برای اطفای حریق اعزام محل شدند.

لطیفی اظهار کرد: در مراحل ابتدایی با هماهنگی استانداری خراسان جنوبی، فرمانداران و سازمان‌های مستقر در مرز، اقداماتی برای جلوگیری از گسترش آتش سوزی صورت گرفت و طی آن، اطراف حادثه تخلیه و مخازن سوخت خنک نگه داشته شد؛ چند ساعت بعد شعله‌های آتش فروکش کرد؛ در این حادثه ساختار و سازه‌های گمرک افغانستان از بین نرفته و مشکل خاصی ایجاد نشده است و تبالا کلال ادامه دارد. حسن رحیمی‌زاده، مدیرکل گمرکات خراسان جنوبی

## گفت‌وگو با متهم

**چرا لباس زنانه می‌پوشیدی؟**

در یکی از فیلم‌های هالیوودی با این شگرد سرقت آشنا شدم و به نظرم ایده خوبی آمد. بعضی راننده‌ها وقتی یک خانم تنها را آن وقت شب با لباس و آرایش ببینند، سوارش می‌کنند. من هم خودروهای مدل بالا را انتخاب کرده و سوار می‌شدم. یک بطری بنزین و فندک داخل کیفم بود و با تهدید به آتش زدن راننده و خودرو سرقت می‌کردم.

**با خودروی سرقتی چه کردی؟**

من خودم یک خودروی پژو ۲۰۶ دارم که خراب است و هزینه تعمیر آن را نداشتم. بعد از سرقت خودروی مدل بالا، پلاک ۲۰۶ را کندم و روی خودروی جدید نصب کردم تا پلیس موفق نشود با پلاک خودروی سرقتی مرا بازداشت کند. بعد هم با دوستانم به اطراف تهران می‌رفتم و تفریح می‌کردیم. البته مدتی قبل نامزدی داشتم که خانواده‌اش به خاطر بی‌پولی و اعتیاد مرا طرد کردند و نامزدیمان به هم خورد. از آنجا که او و خانواده‌اش همیشه سرگرفت بی‌پولی بودند من می‌زدند یک روز با خودروی مدل بالای سرقتی به مقابل خانه‌شان رفتم و قسمتم این خودرو را خریده‌ام و چون پلاک خودروی خودم روی آن نصب بود باورشان شد.

**سابقه داری؟**

به‌خاطر مواد مخدر و اعتیاد مدتی حبس کشیدم. تازه هم از زندان آزاد شده‌ بودم، اما اوضاع بی‌پولی به قدری سخت بود که تصمیم گرفتم بازم خلاف کنم.

## کشف جسد

## در میان شمشادها

**گروه حوادث/** همزمان با کشف جسد یک مرد در میان شمشادهای کنار خیابان

تحقیقات تیم جنایی برای دستگیری عامل این جنایت آغاز شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه ظهر روز ۲۸ اردیبهشت، مرد جوانی در حال عبور از کنار خیابانی در محله خانی‌آباد بود که ناگهان در میان شمشادها چشمش به جسد یک مرد ناشناس افتاد. مرد جوان بلافاصله با پلیس تماس گرفت و گزارش کشف جسد را اعلام کرد.

به دنبال اعلام این خبر از سوی مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد، تیم جنایی راهی محل شده و در بررسی اولیه با مشاهده آثار پیردگی روی قفسه سینه مرد جوان فرضیه قتل پررنگ شد.

متخصصان پزشکی قانونی زمان مرگ را حدود ۴ ساعت قبل از کشف جسد اعلام کردند. از آنجایی که مشخص نبود ضربه وارده به قفسه سینه علت مرگ مرد جوان است یا خیر، به‌دستور بازپرس ساسان غلامی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. در تحقیقات میدانی و بازرسی جیب‌های مرد جوان نیز مدرک هویتی به دست نیامد اما با توجه به لباس‌هایش این احتمال مطرح شد که وی کارتن‌خواب باشد. به‌دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت تحقیقات برای شناسایی هویت مرد ۳۵ ساله و عامل یا عاملان جنایت ادامه دارد.

## برادرکشی به خاطر

## یک لحظه عصبانیت

**گروه حوادث/** پسر جوان که بعد از درگیری با برادرش عصبانی شده و او را خفه

کرده بود دستگیر شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دوشنبه گذشته مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه حین گشت‌زنی متوجه صدای درگیری در یک خانه شدند. وقتی مأموران با بررسی‌های گسترده و کسب مجوز‌های لازم وارد خانه شدند با جسد پسر جوان در حالی روبه‌رو شدند که در چند قدمی او برادرش ایستاده بود. در تحقیقات مشخص شد که برادر ۳۴ ساله‌اش اقدام کرده است. با کشف جسد موضوع به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد و تیم جنایی راهی محل شدند.

متخصصان پزشکی قانونی علت اولیه مرگ را خفگی اعلام کردند. متهم نیز در تحقیقات گفت: با برادرم اختلافات خانوادگی داشتیم و سر همین مسأله روز حادثه باهم درگیر شدیم. عصبانی شده بودم وقتی صدای فریاد او بلند شد ناگهان دستم را روی گلویش گذاشتم و فشار دادم که متوجه شدم دیگر نفس نمی‌کشد. به دستور بازپرس ساسان غلامی از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و عامل این جنایت در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد.

## مهار آتش در گمرک ابونصر افغانستان

نیز با بیان اینکه ظه‌ر سه‌شنبه آتش سوزی مهار شد، گفت: صبح دیروز به دلیل چپ کردن یک کامیون سوخت افغانستانی آتش سوزی گسترده‌ای در گمرک ابونصر رخ داد، اما برخلاف آتش‌سوزی اسفند ماه که در گمرک اسلام قلعه و در مخازن حیز زمینی رخ داد آتش سوزی روز سه‌شنبه روی زمین بود و خطر انفجار نداشت. این حادثه خسارت جانی نداشته و راننده خودرو (تبعه افغانستان)، سالم مانده است.

